

ص ۸۰) او نیز با سن کم در همان ابتدای راه به عنوان قاضی کاروان حج تونس انتخاب شد و در طول سفر نیز با دانشوران دیدار کرد و از برخی اجازه روایت گرفت و بعدها نیز در هند به منصب قضا رسید. همین از علاقه و اشتغال او به علوم دینی حکایت دارد.^۲ پژوهشگران کوشیده‌اند بر پایه این سفرنامه، تصویری از روحيات و احوال ابن بطوطه ترسیم کنند. آنان به علاقه ابن بطوطه به زاهدان و صوفیان و میل درونی‌اش به کناره گیری از دنیا از يك سوی و پابندی‌اش به دنیا و اقرار به عدم توانایی در ترك آن از دیگر سو اشاره نموده و صداقت وی و پرهیزش از زاهدنمایی و ریاکاری را ستوده‌اند.^۳

سفر ابن بطوطه از زادگاهش در ۷۲۵ق به قصد مکه و گزاردن حج آغاز شد. در این هنگام، ناصر الدین ابوسعید (حك: ۷۱۰-۷۳۱ق.) حاکم فاس بود. (ج ۱، ص ۱۵۳-۱۵۷) ابن بطوطه در سال ۷۲۶ق. از راه شمال آفریقا، مصر و شام به مکه رفت. سپس به ایران سفر کرد و بسیاری از شهرهای آن را دید. بار دیگر از عراق به حج رفت و پس از اقامت دو ساله در مکه (۷۲۹-۷۳۰ق.) به یمن و عدن سفر کرد و از آن جا به مگادیشو در ساحل شرقی

2. Ibn Battuta, P2-3.

۳. سفرنامه ابن بطوطه، ص ۳۲-۳۳؛ مجله نامه انجمن، ش ۲۱، ص ۷، «چند نمونه از داده‌های جامعه شناختی و روان شناختی».

کوشش حمد الجاسر، ریاض، دار الیمامه، ۱۳۸۹ق؛ مؤلفات السخاوی: مشهور سلمان و احمد الشقیرات، دار ابن حزم، ۱۴۱۹ق.

کامران محمدحسینی



تحفة النظار فی...: سفرنامه ابن

بطوطه، جهانگرد مشهور مسلمان، شامل

شرح سه سفر حج

کتاب تحفة النظار فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار که به رحله ابن بطوطه نیز مشهور است، رهاورد سفر سی ساله ابن بطوطه در بخشی گسترده از جهان در سده هشتم ق. و منبعی مهم در تاریخ و جغرافیای این سرزمین‌ها است. بخشی از کتاب که گزارش ابن بطوطه از سفر به مکه و مدینه را در بر می‌گیرد، آگاهی‌های مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و عمرانی مهمی از مکه و مدینه به دست می‌دهد.

شمس الدین ابوعبدالله محمد بن عبدالله بن محمد لواتی طنجی مشهور به ابن بطوطه به سال ۷۰۳ق. در طنجه واقع در مغرب به دنیا آمد و در سال ۷۷۰ یا ۷۷۹ق. درگذشت. او را از طایفه بربرهای لواته دانسته‌اند. خانواده وی از دانشمندان مالکی مذهب بودند و در مراکش شغل قضاوت داشتند.^۱ (ج ۱، مقدمه،

۱. الدرر الكامنه، ج ۳، ص ۴۸۰-۴۸۱؛ تاریخ نوشته‌های جغرافیایی، ص ۳۳۱.

افریقا رفت و باز در ۷۳۲ق. به سواحل خلیج فارس و بحرین و مکه بازگشت. آن گاه به سوی شمال سفر کرد و از عیذاب و غزه به آسیای صغیر رسید. ابن بطوطه با گذر از جنوب روسیه به اردوی زرین رسید و سپس به سال ۷۳۴ق. به خوارزم، بخارا، کابل، پنجاب و دهلی رهسپار شد. چند سال در سمت قاضی در هند ماند و به عنوان سفیر سلطان هند به چین و سپس سرزمین‌های جنوب شرق آسیا از جمله مالدیو، جزیره ملوک و سیلان رفت. بار دیگر به هند بازگشت و از راه دریا به مسقط و ایران و عراق و شام و سپس مصر راهی شد و بار چهارم در سال ۷۴۹ق. از راه عیذاب به مکه سفر کرد. ابن بطوطه پس از سفر حج از راه شام و شمال آفریقا به قصد مغرب حرکت نمود و به سال ۷۵۰ق. به فاس رسید و به خدمت سلطان ابوحنان مرینی (۷۴۹-۷۵۹ق.) درآمد و با استقبال او روبه‌رو گشت. سفرهای ابن بطوطه همچنان ادامه یافت تا آن گاه که به زادگاهش طنجه رفت و از آن جا به اندلس سفر کرد و در بازگشت به سال ۷۵۳ق. از سوی سلطان ابوحنان به مالی در مرکز آفریقا رهسپار شد. ابن بطوطه سرانجام به سال ۷۵۴ق. به فاس بازگشت و تا پایان عمر به سال ۷۷۹ق. در آن جا زیست.

کتاب *تحفة النظار* با حمایت سلطان ابوحنان

و در زمانه‌ای به نگارش درآمد که سلطان، کاتب و ادیبی با نام محمد بن محمد بن جزی الکلب معروف به ابن جزی را برای تدوین خاطرات ابن بطوطه برگزید. نگارش این کتاب بر پایه املاء ابن بطوطه در سال ۷۵۷ق. سه ماه به درازا انجامید.^۱ (مقدمه، ج ۱، ص ۷۹، ۱۵۲)

در باره صحت گزارش‌های ابن بطوطه، از آغاز و حتی از روزگار خود او تردیدهایی وجود داشته است. به گزارش ابن خلدون، تاریخ‌نگار هم‌عصر ابن بطوطه، داستان‌هایی که او در دربار سلطان ابوحنان بر زبان می‌راند، نزد مردم با ناباوری و انکار روبه‌رو بود.^۲ نویسندگان معاصر ابن بطوطه نیز در درستی گزارش‌های وی تردید داشتند و برخی مانند ابن خطیب و بلفیقی او را دروغگو می‌دانستند.^۳ پژوهش‌های تازه نیز از اشتباهات سفرنامه ابن بطوطه و ناسازگاری برخی گزارش‌ها با واقعیات تاریخی و جغرافیایی پرده برداشته‌اند تا جایی که اصل مسافرت او به سرزمین‌هایی مانند چین یا قسطنطنیه را انکار کرده و سخنان وی در این سفرنامه را برگرفته از منابع دیگر دانسته‌اند.^۴ (ج ۱، ص ۱۲۵-۱۳۱)

۱. تاریخ نوشته‌های جغرافیایی، ص ۳۳۵.

۲. تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۲۲۷-۲۲۸.

۳. الا حاطه فی اخبار غرناطه، ج ۳، ص ۲۰۶.

4. The Odyssey of Ibn Battuta, P8-11: Ibn Battuta, P13.

بسیاری از اشتباهات آن را باید نتیجه اتکای وی به حافظه در گزارش حوادثی دانست که سال‌ها از وقوع آن‌ها گذشته است.^۱ این سفرنامه آگاهی‌های فراوان از جغرافیای طبیعی و انسانی شهرها و تاریخ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جوامع اسلامی دارد. وصف ابن بطوطه از شهرها، از نظر وسعت، نظم، ساختمان‌ها، گستردگی بازارها، وضعیت آب و هوا، و معرفی محلات، با وصف بناهای بزرگ و مشهور معماری که وجه تمایز این شهرها به شمار می‌آیند، مانند منار اسکندریه (ج ۱، ص ۱۸۱)، اهرام مصر (ج ۱، ص ۲۰۹-۲۱۰)، بر بای اخمیم (ج ۱، ص ۲۲۷)، قلعه حلب معروف به شهباء (ج ۱، ص ۲۷۳)، و کلیسای ایاصوفیه (ج ۲، ص ۲۵۴) همراه است.

آن چه ابن بطوطه در یادکرد معماری شهرها به آن عنایت کرده، وصف مساجد و خانقاه‌ها و بناهای زیارتی و آرامگاه‌ها است. مساجد دمشق و غزه (ج ۱، ص ۲۳۹)، مسجد جامع منفلوط (ج ۱، ص ۲۲۶)، مسجد بیت المقدس (ج ۱، ص ۲۴۶)، مرقد امام علی علیه السلام در نجف (ج ۱، ص ۴۲۱)، قبر منسوب به امام زین العابدین علیه السلام در شوشتر (ج ۲، ص ۲۲)، مسجد بزرگ عتیق و آرامگاه احمد بن موسی در شیراز (ج ۲، ص ۳۶، ۴۷)، حرم

گزارش ابن بطوطه از راه حج از مغرب تا مکه و سپس از مکه تا عراق و وصف‌هایش از جغرافیا و نشانه‌ها و حتی بخشی از آداب و رسم‌های مکه و مدینه نیز اقتباسی است از دو سفرنامه مشهور پیش از خود: سفرنامه ابن جبیر و سفرنامه عبدی. مطالب اقتباس شده از این کتاب‌ها در سفرنامه ابن بطوطه با تلخیص و تغییر اندک بازنویسی شده است؛ چنان‌که اثر متن اصلی را به آسانی می‌توان دریافت.^۱

همه آن چه در کتاب آمده، خاطرات و دیده‌های ابن بطوطه نیست. سفرنامه افزوده‌های بسیار دارد که گویا ابن جزّی به آن افزوده است. ابن جزّی کوشیده است تا خاطرات پراکنده ابن بطوطه را به شکل سفرنامه‌ای منسجم تدوین کند و بدین منظور، از کتاب‌های پیشین سود برده است.^۲ افزون بر این‌ها، ابن جزّی گاهی مطالبی کوتاه شامل شعر و حکایت و نکات تاریخی و جغرافیایی، به متن افزوده که با عبارت «قال ابن جزّی» از گفته‌های ابن بطوطه تمایز یافته است. (برای نمونه: ج ۲، ص ۸۵-۸۶)

با این همه، نمی‌توان سفرنامه ابن بطوطه را در ردیف سفرنامه‌های تخیلی به شمار آورد و

۱. نک: رحلة ابن جبیر، ص ۱۶۲-۱۶۷؛ رحلة العبدی، ص ۲۱۳، ۴۷۱.

۲. تاریخ نوشته‌های جغرافیایی، ص ۲۳۵-۲۳۶.

Ibn Battuta, p 11-12

۳. تاریخ نوشته‌های جغرافیایی، ص ۳۳۷.

امام حسین علیه السلام در کربلا (ج ۲، ص ۵۷)، مسجد بلخ (ج ۳، ص ۲۲)، بارگاه امام رضا علیه السلام (ج ۳، ص ۵۵)، و آرامگاه جلال الدین رومی در قونیه (ج ۲، ص ۱۷۳-۱۷۴) تنها اندکی از مساجد و زیارتگاه‌های بسیار هستند که در این سفرنامه معرفی شده‌اند.

گذشته از آگاهی‌های فراوان جغرافیایی، این کتاب منبعی مهم برای مطالعه در باره تاریخ اجتماعی و اقتصادی سرزمین‌های اسلامی در سده هشتم ق. به شمار می‌رود. شرح زندگی روزمره مردم، معرفی مشاغل عمده یک شهر، وصف بازارها (ج ۲، ص ۱۱۳، ۱۲۳؛ ج ۴، ص ۲۵)، معرفی خوراک، پوشاک، آداب و رسم‌های مردم (ج ۲، ص ۱۷۱؛ ج ۳، ص ۵۶، ۴۳۲؛ ج ۴، ص ۲۵۷)، و وصف چهره مردم (ج ۲، ص ۳۱، ۱۲۱) موادی برای مطالعه جامعه‌شناختی سرزمین‌های اسلامی و غیر اسلامی در سده هشتم ق. است.

آگاهی‌های مستقیم ابن بطوطه در باره اوضاع اقتصادی یا اشارات غیر مستقیم او مانند اشاره به پول رایج، مهم‌ترین کارهای اقتصادی در یک سرزمین و نیز وصف وی از بازارها، تاریخ‌نگار را در ترسیم وضع اقتصادی سرزمین‌های گوناگون یاری می‌کند. (ج ۲، ص ۲۲۳، ۲۵۸)

پاره‌ای از گزارش‌های ابن بطوطه در بازشناسی جغرافیای مذهبی بخش‌هایی از

جهان اسلام سودمند است. برای نمونه، او از حضور شیعیان در شهرهای صور، معره، نجف، حله، طوس (ج ۱، ص ۲۵۸، ۲۷۲، ۴۱۴، ۴۲۳؛ ج ۲، ص ۵۶؛ ج ۴، ص ۴۹) و اسماعیلیان در شام (ج ۱، ص ۲۸۶) و نیز حضور پررنگ فتیان در آناتولی (ج ۲، ص ۱۷۷-۱۸۰) سخن گفته است.

ابن بطوطه مانند دیگر سفرنامه‌نگاران مغربی، توجهی ویژه به معرفی عالمان و صوفیه در سرزمین‌های اسلامی داشته است. او معمولاً در وصف هر شهر به معرفی بزرگان علمی، قاضیان و به ویژه صوفیه پرداخته است. او به مدارس و خانقاه‌ها رفته و با دانشمندان بزرگ شهر دیدار داشته است. وصف‌های وی از نظام و سازمان مدارس و خانقاه‌ها در سرزمین‌های گوناگون، تصویری از وضعیت آموزش در سرزمین‌های اسلامی یک سده پس از حمله مغول را به دست می‌دهد. او با بسیاری از صوفیان در نقاط گوناگون جهان اسلام دیدار کرده است؛ از جمله در اسکندریه ابو عبدالله مرشدی (ج ۱، ص ۴۷)، در غزه برهان الدین جعبری (ج ۱، ص ۲۴۲)، در بیروت ابو یعقوب یوسف، در اصفهان شیخ قطب الدین (ج ۱، ص ۳۱)، در شیراز مجدالدین اسماعیل پسر محمد خداداد. (ج ۲، ص ۳۶) حکایات او از صوفیان با یادکرد داستان‌هایی از کرامات آنان همراه است.

این سفرنامه از دیدگاه تاریخ سیاسی

به حج رفته و سفرنامه او پنج راه معمول حج، یعنی راه‌های شام، عراق، بحرین، یمن و عیذاب را معرفی می‌کند.

سفر اول ابن بطوطه از طنجه آغاز شد و به سوی مصر ادامه یافت. این طریق، راه سفر حج مردم شمال افریقا و مغربیان بود که در ساحل دریای مدیترانه از تلمسان، ملیانه، الجزایر، بجایه، قَسْطَینَه، بونه، تونس و سوسه به اسکندریه می‌رسید. وی از اسکندریه تا مصر از تروجه، دَمَنهور، فوا، نحراریه، اُبیار، محله الکبیره، دَمیاط و سمنود و از آن جا با کشتی از رود نیل گذشت. او سفر خود را به تنهایی آغاز کرد؛ اما در میانه راه با کاروانی از بازرگانان همراه شد و به تونس و از آن جا با کاروان حج تونس به سوی قاهره رفت. (ج ۱، ص ۱۵۳-۲۰۰) ابن بطوطه از مراسمی به نام روز محمل در قاهره سخن گفته که در ماه رجب برگزار می‌شد و بزرگان دینی و دولتی همراه با محمل* تزئین شده حج در شهر به گردش درمی‌آمدند و مردم را برای سفر به حج تشویق می‌کردند. (ج ۱، ص ۲۲۱)

ابن بطوطه در قاهره تصمیم گرفت که به عیذاب و از آن جا از راه دریا به حجاز برود. راه او از قاهره به عیذاب از مَنفَلوط، إخمیم، قوص، اقصر، آسنا و آدفو گذشت؛ اما در عیذاب به دلیل نبرد و درگیری قبایل بجایه با مملوکان مصر، امکان سفر دریایی نیافت و

سرزمین‌های اسلامی نیز اهمیت فراوان دارد. ابن بطوطه به معرفی شاهان و والیان و امیران و حاکمان پرداخته و از اختلاف‌ها و کشمکش‌ها میان امیران و روابط حکومت‌ها با یکدیگر گزارش داده و گاهی به تفصیل در باره تاریخ حکومت یک سلسله یا پادشاه سخن رانده است. گفته‌های ابن بطوطه به ویژه آن جا که با برخی از امیران و پادشاهان دیدار کرده، با اهمیت است. او در ایران با ابوسعید ایلخان واپسین حاکم سلسله ایلخانی در تبریز (ج ۲، ص ۶۷-۷۸)، اتابک افراسیاب از اتابکان لرستان (ج ۲، ص ۲۵-۲۸)، سلطان قطب الدین تهمتن حاکم هرمز (ج ۲، ص ۱۴۱-۱۴۲)؛ و نیز در یمن با مجاهد نورالدین علی (ج ۲، ص ۱۰۷-۱۰۹)، در عمان با ابومحمد بن نبهان (ج ۲، ص ۱۳۸-۱۴۰)، و در افریقا با ابوبکر بن شیخ عمر پادشاه مگادیشو و ابوالمظفر حسن پادشاه کلوا (ج ۲، ص ۱۱۶، ۱۲۲)؛ و همچنین در آسیای صغیر با پادشاه لاذق سلطان ینج بک و امیران دیگر شهرها، و در ماوراء النهر با محمد خان ازبک (ج ۲، ص ۲۲۸) و سلطان علاء الدین ترمشیرین (ج ۳، ص ۲۷) دیدار کرده و در هند چند سال در خدمت سلطان محمد بن تغلق به سر برده و از سوی او به سفارت به چین رفته است. (ج ۳، ص ۲۴۲-۲۴۹)

◀ راه‌های حج در سفرنامه ابن بطوطه:

ابن بطوطه چهار بار و هر بار از یک مسیر تازه

ناچار به قاهره بازگشت. (ج ۱، ص ۲۲۳-۲۳۱) این بار او از قاهره به شام رفت و از شهرهای غزه، قدس، عسقلان، رمله، نابلس، عجلون، صور، صیدا، طبریه، بیروت، طرابلس، حماة، حلب، قنسرين، أنطاکیه، لاذقیه و بعلبک گذشت و در اول شوال سال ۷۲۶ق با کاروان حج شام که از دمشق به سوی مدینه رهسپار بود، به سوی مدینه حرکت نمود. (ج ۱، ص ۲۳۹-۳۴۳)

در آن سال، امیر کاروان سیف الدین چوبان (م. ۷۲۸ق.) و قاضی کاروان شرف الدین اذرعی حورانی (م. ۷۴۱ق.) بود. (ج ۱، ص ۳۴۳) کاروانیان از بُصری گذشتند و به حصن کَرک رسیدند و در آن جا با خرید آذوقه برای ورود به صحرا آماده شدند و پس از دو روز به تبوک رسیدند. (ج ۱، ص ۳۴۴-۳۴۶) شامیان هنگامی که به تبوک می‌رسیدند، شمشیرهای خود را بیرون می‌کشیدند و به یاد غزوه تبوک بر درختان حمله‌ور می‌شدند. (ج ۱، ص ۳۴۷) پس از چهار روز استراحت در تبوک، کاروان از دو وادی خشک و بسیار گرم به نام أُخِیْضِر و عطاس گذشت و به مدینه رسید. (ج ۱، ص ۳۴۷-۳۴۹) با بیرون آمدن از مدینه و رسیدن به ذی الحلیفه، کاروانیان احرام بستند و سپس با گذر از روحا، صفرا، بدر، رابع، خلیص، عسفان و بطن مر به مکه رسیدند. (ج ۱، ص ۳۶۴-۳۶۷)

سفر اول ابن بطوطه به مدینه و مکه در

بیستم ذی حجه ۷۲۶ق. پایان یافت و او همراه با قافله حج عراق که امیر پهلوان محمد حویح امارتش را بر عهده داشت، به راه عراق رفت. در این دوران که هم‌زمان با حکومت ابوسعید ابلخان بود، کاروان حج عراق با شکوه فراوان راهی مکه می‌شد. ابن بطوطه حرکت این کاروان را از جهت فراوانی ایرانیان و عراقیان، به حرکت توده‌ای از ابر متراکم تشبیه کرده است. هنگام توقف در هر منزل، میان فقیران و بینوایان و در راه ماندگان غذا تقسیم می‌شد. شب‌ها پیشاپیش کاروان‌ها مشعل‌هایی حمل می‌کردند که به تعبیر ابن بطوطه، شب را به روز مبدل می‌کرد. (ج ۱، ص ۴۱۱)

کاروان عراق در بازگشت نخست به مدینه رفت و ابن بطوطه برای بار دوم شش روز در مدینه توقف کرد. کاروان با گذر از وادی العروس به سرزمین نجد وارد شد و با گذر از شهرها و منازل عسیله، قاروره، حاجر، سمیره، جبل المخروق، وادی الکروش، فید، اجفر، زرود، ثعلبیه، زماله، واقصه، کوفه، قادسیه و نجف رسید. (ج ۱، ص ۴۱۱-۴۲۱) ابن بطوطه مسیر خود را از کاروان عراق جدا کرد و همراه اعراب خفاجه با گذر از خورنق، قائم الواثق، عذار و واسط به سوی بصره رهسپار شد و به شهرهای ایران سفر کرد. (ج ۲، ص ۷-۵۴) بیشتر آگاهی‌هایی که در باره راه‌های شام و راه مدینه به مکه در سفرنامه ابن بطوطه آمده

خلیج فارس و جنوب ایران بوده، یاد نکرده است. (ج ۲، ص ۱۵۱-۱۵۴) این بار او برای رفتن به عیذاب در جده سوار کشتی شد؛ اما باد کشتی را به رأس الدوائر برد و مسافران از راه خشکی با نه روز راهپیمایی سخت و تحمل کمبود آب و آذوقه در صحرای ساحل شرقی افریقا که محل سکونت اقوام بجایه بود، به عیذاب رسیدند. (ج ۲، ص ۱۵۹-۱۶۰)

سفر چهارم ابن بطوطه به حج در سال ۷۴۹ق. نیز از مسیر عیذاب صورت پذیرفت. این بار وی که از مصر به عیذاب آمده بود، از راه دریای سرخ به جده رفت. (ج ۴، ص ۱۸۱-۱۸۲)

◀ **مدینه در سفرنامه ابن بطوطه:** ابن بطوطه در نخستین سفر خود به حرمین که همراه کاروان شام صورت پذیرفت، در آغاز به مدینه رفت. وی در سفرنامه خویش پس از یادکرد ورودش به مدینه و استلام پاره‌ای از استوانه حنانه که هنوز باقی مانده بود، شرحی از مسجد نبوی در مدینه به دست داده و وصفی مختصر از ساختمان مستطیل شکل مسجد و مرقد پیامبر ﷺ، مرقد منسوب به حضرت فاطمه رضی الله عنها و قبر و خانه عمر و ابوبکر با اقتباس از سفرنامه ابن جبیر به دست داده است.^۲ (ج ۱، ص ۳۴۹-۳۵۱) آن چه در سفرنامه در باره بقیع، قبا، حجر الزیت، احد،

و حتی وصف بناها در شهرهای میان راه، از سفرنامه ابن جبیر و عبدری گرفته شده است.^۱ آغاز سفر دوم ابن بطوطه به حج را باید زمانی دانست که در دربار سلطان ابوسعید ایلخان، سخن از قصد وی برای حج گزاری به میان آمد و ایلخان دستور داد به او اسب و توشه دهند و توصیه‌نامه‌ای نیز برای او به امیر بغداد نوشت. امیر کاروان حج عراق در این سال (۷۲۷ق.) نیز امیر پهلوان بود و وسایل سفر ابن بطوطه را فراهم کرد. (ج ۲، ص ۷۸، ۸۸)

ابن بطوطه پس از سه سال مجاورت در مکه (ج ۲، ص ۸۸-۹۱) در پایان سال ۷۳۰ق. به قصد یمن راهی جده شد (ج ۲، ص ۹۷) و با کشتی به سوی یمن رفت. کشتی نخست با عبور از عرض دریای سرخ به ساحل شرقی افریقا رسید و به دلیل دچار شدن به طوفان، در لنگرگاه رأس دوائر لنگر انداخت. مسافران از راه خشکی به جزیره سواکن رفتند و از آن جا با کشتی و دیگر بار با پیمودن عرض دریای سرخ، به حلی در یمن رسیدند. سپس ابن بطوطه به زبید و آن گاه صنعا پایتخت یمن سفر کرد. (ج ۲، ص ۱۰۰-۱۱۱)

سفر سوم ابن بطوطه به حج در سال ۷۳۲ق. و از بحرین و حسا و یمامه آغاز شد. او منازل این مسیر را که راه مردم بحرین و جنوب

۱. نک: رحله ابن جبیر، ص ۱۶۲-۱۶۷.

۲. نک: رحله ابن جبیر، ص ۱۵۰-۱۵۴.

مسجد علی علیه السلام و مسجد سلمان آمده (ج ۱، ص ۳۶۰-۳۶۳) و نیز وصف خادمان مسجد که حبشیانی با لباس‌های تمیز بوده‌اند (ج ۱، ص ۳۵۷) تلخیصی از سفرنامه ابن جبیر است.^۱ گویا تاریخچه ساخت و گسترش مسجد نبوی، تاریخ ساخت منبر پیامبر و ماجرای استوانه خانه و ساخته شدن دارالوضوء در زمانه ناصر نیز از سفرنامه عبدیری برگرفته شده است.^۲ (ج ۱، ص ۳۵۱-۳۵۵) گمان می‌رود تنها نکته‌ای که در وصف نشانه‌های مدینه تازگی دارد، اشاره کوتاه وی به چشمه زرقاء است.^۳ حضور ابن بطوطه در مدینه به سال ۷۲۶ق. هم‌زمان با دوره حکومت کبیش بن منصور بن جماز (۷۲۵-۷۲۸ق.) بوده است. ابن بطوطه از کشته شدن کبیش در درگیری با دیگر مدعیان حکومت مدینه به سال ۷۲۷ق. و حکومت طفیل بن منصور برادرش پس از او گزارش داده است. (ج ۱، ص ۳۶۰) در این دوران، امام مسجد مدینه بهاء الدین بن سلامه (۶۶۵-۷۴۴ق.) نایب وی عزالدین واسطی (۶۵۴-۷۴۲ق.) بوده است. (ج ۱، ص ۳۵۶) ریاست مؤذنان حرم در آن زمان بر عهده جمال الدین مطری (م. ۷۶۱ق.) بوده است. (ج ۱، ص ۳۵۷) ابن بطوطه با برخی مجاوران مکه و مدینه

دیدار کرده و از آنان که بیشتر اهل شمال افریقا بوده‌اند، نام برده است. محمد بن محمد بن سهل غرناطی (م. پس از ۷۵۰ق.)، احمد بن محمد مرزوق تلمسانی (م. ۷۴۰ق.)، سعید مراکشی، عیسی بن حرزوز مکناسی، ابومحمد سروی، و ابوالعباس فاسی از جمله این افراد هستند. (ج ۱، ص ۳۵۸-۳۵۹)

ابن بطوطه در مدینه مهمان منصور بن شکل از مردم آن شهر بوده که از شام با او همراه شده و سپس یکدیگر را در بخارا و حلب دیگر بار دیده‌اند. وی در مدینه با شرف الدین قاسم بن سنان قاضی زبیدی و علی بن حُجر صوفی که از مردم غرناطه بوده، همنشین بوده است. (ج ۱، ص ۳۶۳)

◀ **مکه در سفرنامه ابن بطوطه:** بیشتر گزارش‌های مکه و حتی بخشی از آداب و رسم‌های مکیان، خلاصه‌ای از گزارش‌های سفرنامه ابن جبیر و عبدیری است. جغرافیای طبیعی شهر مکه، اندازه مسجدالحرام و تعداد ستون‌ها و درهای آن، وصف بنای کعبه و اندازه دیوارهای آن، درون کعبه، پرده، حجرالاسود، مقام، صفا و مروه، برخی از مراسم مانند خطبه‌خوانی، ترتیب نمازها در مسجد، گشودن در کعبه، و جشن‌ها و عبادت‌های مردم مکه در برخی از ماه‌های سال، از سفرنامه ابن جبیر اقتباس شده است. (← تذکیر بالاخبار) با این حال، گمان

۱. نک: رحلة ابن جبیر، ص ۱۵۴-۱۵۷.

۲. رحلة العبدیری، ص ۴۴۲-۴۵۲.

۳. تحفة الکرام، ص ۲۲۲؛ آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۳۱۹.

حقوق قاضی و خطیب و پیش نمازان و مؤذنان و فراشان و خادمان، و نیز بر آوردن نیازهای کعبه مانند شمع و روغن و جز آن را سلطان مصر بر عهده داشت. (ج ۱، ص ۴۱۰) با این حال، از دوره اولجایتو و پس از او ابوسعید، ایلخانان در مکه نفوذ بیشتر به دست آوردند و در مناسبات سیاسی میان فرزندان ابونمی راه یافتند. این بطوطه از خطبه خواندن به نام ابوسعید در سال ۷۲۸ ق. گزارش داده است. به گفته او، احمد بن رمیثه و مبارک بن عطیفة که در عراق بودند، در این سال به مکه آمدند. (ج ۲، ص ۹۰) احمد بن رمیثه پس از مرگ ابوسعید ایلخان (۷۳۶ ق.) چندی قدرت را در حله به دست گرفت. این گزارش از جایگاه احمد بن رمیثه در میان ایلخانان و نفوذ او در دست کم بخشی از نیروهای نظامی و حضور پررنگ وی در عراق حکایت دارد.^۳ (ج ۱، ص ۵۶)

این بطوطه در سفر دوم تا سال ۷۳۰ ق. در مکه بود. وی به آشوبی اشاره کرده که در این سال به دلیل درگیری عطیفة با امیر جندار مصری رخ داد و به کشته شدن امیر و حمله سپاهیان ملک ناصر به مکه و دادن حکمرانی مکه به رمیثه انجامید.^۴ (ج ۲، ص ۹۱) سفر سوم این بطوطه به مکه در سال ۷۳۲ ق. هم زمان با

می رود نویسنده سفرنامه با هوشمندی به تغییرهایی که در سالیان پس از سفر ابن جبیر پدید آمده، توجه داشته است؛ چنان که در وصف پرده کعبه آن را سیاه رنگ خوانده (ج ۱، ص ۳۷۲)، در حالی که این پرده ۱۰۰ سال پیش از آن، به گفته ابن جبیر، سبز بوده است. این پرده در زمانه ابن جبیر از سوی خلیفه عباسی و با کاروان عراق به مکه می آمد؛^۵ اما در دوره ابن بطوطه، پرده را سلطان مصر فراهم می کرد و با کاروان مصریان می فرستاد. (ج ۱، ص ۴۱۰)

در نخستین حضور ابن بطوطه در مکه به سال ۷۲۶ ق. رمیثه و عطیفة، پسران شریف ابی نومی، به گونه مشترک بر مکه حکومت داشتند. (ج ۱، ص ۳۸۶) ابن بطوطه به مقدم بودن نام عطیفة بر رمیثه در خطبه نماز مکه اشاره کرده و دلیل آن را عدالت بیشتر عطیفة دانسته است. (ج ۱، ص ۳۸۶) اما سبب، این بود که عطیفة در این سالها حاکم اصلی مکه بود و از حمایت سلطان مصر بهره می برد و به سال ۷۲۶ ق. به تنهایی بر مکه حکومت می کرد.^۶ در این دوران، در مصر ملک الناصر و در ایران ابوسعید ایلخان پادشاه بودند و مکه بیشتر زیر نفوذ حاکم مصر قرار داشت. به گفته ابن بطوطه، فراهم کردن پوشش کعبه، پرداخت

۱. رحلة ابن جبیر، ص ۱۴۱.

۲. العقد الثمین، ج ۵، ص ۲۱۴؛ اتحاف الوری، ج ۳، ص ۱۸۴.

۳. نک: اتحاف الوری، ج ۳، ص ۲۲۳.

۴. برای اطلاعات بیشتر نک: اتحاف الوری، ج ۳، ص ۱۸۸-۱۹۲.

سفر ملك الناصر سلطان مصر به این شهر انجام پذیرفت. (ج ۲، ص ۱۵۳)

ابن بطوطه در شرح نخستین سفر خود، شماری از دانشوران شهر از جمله امامان نمازهای مذاهب چهارگانه را نام برده است. (ج ۱، ص ۳۸۹-۳۹۰) در این سال، قاضی مکه محیی الدین طبری (وفات ۷۳۰) بود که از احترام و توجه ملك الناصر سلطان مصر بهره داشت و صدقاتی که سلطان به مکه می فرستاد، به دست او تقسیم می شد. خطیب مسجدالحرام و امام مقام ابراهیم نیز بهاء الدین طبری (متولد ۶۷۸ق.) بود. (ج ۱، ص ۳۸۷-۳۸۸)

نیز وی از برخی مجاوران مکه که در دو سفر اول خود با ایشان دیدار داشته، نام برده است. اینان بیشتر در مدارس و رباطها زندگی می کردند. او در این مدت در مدرسه مظفریه سکونت داشت. (ج ۱، ص ۳۸۸) در میان این افراد، علی بن رزق الله از مردم طنجه و از آشنایان پدر ابن بطوطه نیز حضور داشته است. (ج ۱، ص ۳۹۱-۳۹۲) به سال ۷۲۸ق. شماری از همشریان ابن بطوطه نیز به این شهر رسیده‌اند. (ج ۲، ص ۸۸)

اوضاع اجتماعی مکه در میان گزارش‌های وی شایان توجه بیشتر است. او مکیان را به انفاق و نیکوکاری ستوده، باور دارد که شهر مکه برای فقیران و دراویش و صوفیان اقامتگاه خوبی است. به گفته او، کسی که بخواهد در

شهر مکه ولیمه دهد، نخست سراغ فقیران می رود. اطعام فقیران در میان بزرگان مکه همچون قاضی و امام موسم، مرسوم بوده است. (ج ۱، ص ۳۸۷) برخی از آنان در روزهای ویژه و عیدها و بعضی نیز هر روز فقیران را اطعام می کردند تا جایی که گاهی مانند امام حنبلیان سالانه پنجاه هزار درهم وام دار می شدند. (ج ۱، ص ۳۸۸-۳۸۹) دیگر مردم نیز به اطعام فقیران توجه داشتند. فقیران کنار تنورهای نانویی می ایستادند و مردم به آنان نان می بخشیدند. (ج ۱، ص ۳۸۷)

بر پایه گزارش ابن بطوطه، وضع اقتصادی مردم مکه دست کم در آن سالها خوب و وجود زائران موجب رونق اقتصادی شهر بوده است. زائران افزون بر این که باعث رونق بازارها بودند، اموال بسیاری می بخشیدند. حاجیان کاروان عراق به سال ۷۲۷ق. آن قدر طلا در این شهر انفاق کردند که قیمت طلا سخت پایین آمد. (ج ۱، ص ۴۱۰) وی از توزیع صدقات فراوان ابوسعید ایلخان میان مجاوران مکه به سال ۷۲۹ق. گزارش داده است. (ج ۱، ص ۴۱۱)

به دلیل ورود تاجران از سراسر سرزمین‌های اسلامی به مکه، انواع مواد خوراکی در این شهر یافت می شد. ابن بطوطه از یافتن میوه‌هایی مانند انگور، انجیر، هلو و خربزه در این شهر گزارش داده است. (ج ۱، ص ۳۷۰) نیز به این عادت مکیان اشاره کرده که تنها یک

همیشه در مسجد الحرام بود؛ اما هیچ گاه وضو و غسل نمی ساخت. با این حال، مردم نه تنها او را نمی راندند، بلکه از او تبرک می جستند. او هر جا که می خواست، می رفت و از هر مغازه چیزی برمی گرفت و صاحب مغازه آن را مایه تبرک و افزایش روزی می دانست. (ج ۱، ص ۳۹۶-۳۹۷)

◀ **چاپ‌ها:** نخستین نسخه‌ای که از سفرنامه ابن بطوطه به چاپ رسیده، خلاصه‌ای به قلم محمد بن فتح بیلونی با نام *المنتقى* است که به سال ۱۲۷۸ ق. در قاهره انتشار یافت. این خلاصه در سال‌های ۱۸۴۰ و ۱۸۵۵ م. به زبان پرتغالی ترجمه و چاپ شد. متن کامل سفرنامه همراه با ترجمه آن در سال‌های ۱۸۵۳ و ۱۸۵۸ م. در چهار جلد با تحقیق گروهی از محققان فرانسوی در پاریس به چاپ رسید. این چاپ مبنای چاپ‌های دیگر کتاب در سرزمین‌های عربی از جمله چاپ فؤاد افرام بستانی در ۱۹۲۷ م. و چاپ علی منتصر کتانی در سال ۱۹۷۲ م. شد. عبدالهادی التازی در سال ۱۹۹۶ م. چاپ جدیدی از کتاب به دست داد. او نیز چاپ پاریس را اساس کار خود قرار داد؛ اما با استفاده از حدود سی نسخه خطی آن را بازرینی کرد و اشکال‌ها و ابهام‌ها را زدود. این چاپ که شامل حواشی و فهرستی مفصل است، در فاس و از سوی آکادمی کشور مغرب در پنج جلد و ۱۵۴۹ صفحه به

وعده پس از نماز عصر غذا می خوردند و در باقی روز تنها خرما می خوردند و از این رو، تنی سالم داشتند. (ج ۱، ص ۳۸۹)

به گفته ابن بطوطه، در بازارهای مکه کودکان یتیم با زنبیل به انتظار می نشستند و هنگامی که کسی خرید می کرد، کالایش را در ازای دریافت دستمزدی به منزل او می بردند. این کودکان با این که صاحب کالا با آن‌ها نمی آمد و در پی کار خویش می رفت، در امانت خیانت نمی کردند و کالا را به سلامت به خانه وی می رساندند. (ج ۱، ص ۳۸۷) مکیان مردمانی پاکیزه بودند. لباس آنان بسیار سفید و همیشه پاک بود. زنان مکی که ابن بطوطه آنان را به زیبایی و عفت ستوده، عطر فراوان به کار می بردند و خشنود بودند که گرسنه بخوابند، اما پول غذای خود را صرف خرید عطر کنند. به گفته او، زنان مکه شب‌های جمعه برای زیارت به مسجد الحرام می رفتند و حضورشان فضای مسجد را عطر آگین می کرد. (ج ۱، ص ۳۸۷)

برخی از باورهای مردم مکه را نیز می توان از میان گزارش‌های این سفرنامه دریافت. برای نمونه، مردم مکه عقیده داشتند که پرندگان بر فراز کعبه پرواز نمی کنند و یا تنها کسانی می تواند از دهانه تنگ غار ثور بگذرند که حلال زاده باشند. (ج ۱، ص ۳۷۲، ۳۸۴-۳۸۵) به حکایت ابن بطوطه، شخصی به نام حسن

سال ۱۹۹۷م. منتشر شد. تحفة النظار به زبان‌های مختلف از جمله انگلیسی و ترکی نیز ترجمه شده است. محمد علی موحد در سال ۱۳۳۷ش. این کتاب را به فارسی برگردانده است.

◀ منابع

آثار اسلامی مکه و مدینه: رسول جعفریان، قم، مشعر، ۱۳۸۶ش؛ اتحاف الوری باخبار ام القرى: عمر بن محمد بن فهد (م. ۸۸۵ق.)، به کوشش شلتوت، مکه، جامعه ام القرى، ۱۴۰۳ق؛ الاحاطة فی اخبار غرناطه: محمد السلمانی (لسان الدین ابن الخطیب)، به کوشش یوسف علی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق؛ البدایة و النهایة: ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، بیروت، مکتبه المعارف؛ تاریخ ابن خلدون: ابن خلدون (م. ۸۰۸ق.)، به کوشش خلیل شحاده، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۸ق؛ تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام: کراچکوفسکی، ترجمه: پاینده، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹ش؛ تحفة الکرام: محمد مهدی بحر العلوم (م. ۱۲۱۲ق.)، تهران، مشعر، ۱۴۲۵ق؛ الدرر الکامنه: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق.)، به کوشش عبدالمعید خان، حیدرآباد، دائره المعارف العثمانیه، ۱۳۹۲ق؛ رحله ابن جبیر: محمد بن احمد (م. ۶۱۴ق.)، بیروت، دار مکتبه الهلال، ۱۹۸۶م؛ رحله العبدری: محمد العبدری (م. ۷۰۰ق.)، به کوشش کردی، دمشق، دار سعدالدین، ۱۴۲۶ق؛ سفرنامه ابن بطوطه (رحله ابن بطوطه): ترجمه: موحد، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱ش؛ شفاء الغرام: محمد الفاسی (م. ۸۳۲ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت،

دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق؛ نامه انجمن (فصلنامه): تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. Ibn Battuta, travels on Asia and Africa: translated and selected H.A.R. Gib, darf David .Odyssey of Ibn Battuta / .publisher, 1983 .waines, I.B tauris, 2011

کامران محمد حسینی



تحقیق النصره بتلخیص معالم دار

الهجره: اثری در تاریخ محلی مدینه،

نوشته ابوبکر بن حسین مراغی

این کتاب که از منابع تاریخ مدینه به شمار می‌رود، آگاهی‌هایی را پیرامون شهر مدینه، مسجدالنبی و توسعه‌های آن، مرقد نبوی، بقاع بقیع، اماکن، وادی‌ها، مسجدها، چاه‌ها و نکاتی در باب توسل و شفاعت و زیارت پیامبر ﷺ به دست می‌دهد.

زین الدین ابوبکر بن حسین قرشی عیشمی مراغی مصری^۱ مشهور به زین الدین مراغی یا عثمانی، از فقیهان شافعی و مورخان مدینه است که نام او را عبدالله نیز نوشته‌اند.^۲ او به سال ۷۲۷ق. در قاهره زاده شد و رشد کرد و سپس به حجاز آمد و حدود ۵۰ سال مجاور

۱. الضوء اللامع، ج ۱۱، ص ۲۸؛ معجم المؤلفین، ج ۳، ص ۶۰.

۲. المدینة المنوره، ش ۱، ص ۹۸، «ابوبکر المراغی و کتابه تحقیق النصره».